

اول مه طبقه کارگر علیه ماشین جنگی، برای رفاه و آزادی

صفحه ۴



اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

تراژدی انفجار مرگبار بندرعباس

صفحه ۵

پیام حزب حکمتیست (خط رسمی) به:

کنفرانس "سازمان زنان جبهه مبارزه مردمی فلسطین"

صفحه ۶

شهرداری سنندج و "ناسیونالیسم" معوج، پاکیزه و پاستوریزه

صفحه ۶

مصطفی اسدیپور

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست هفتگی ۵۶۰

۲ مه ۲۰۲۵ - ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

سنگر مذاکرات!

"دقیقه های نود" و وعده های پوشالی!

ثریا شهابی

در آخرین لحظات دیروز، یازدهم اردیبهشت، اول ماه مه، وزیر خارجه عمان در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که: دور چهارم مذاکرات غیرمستقیم آمریکا و ایران که قرار بود با میانجیگری عمان شنبه سه ماه مه، ۱۳ اردیبهشت، در روم برگزار شود، فعلا و تا اطلاع ثانوی به دلیل "لجستک"، به تعویق افتاده است.

همزمان با این اعلام، در رسانه ها و شبکه های اجتماعی آنها موجی از پست هایی مبتنی بر "گمانه زنی" ها، "تحلیل ها"، "نامیدی" ها و "ترس و هراس" ها در مورد علل به تعویق افتادن این مذاکرات و نتایج و عواقب آن، به جریان افتاد! تا جایی که به فضای عمومی ایران باز میگردد، غالبا هرانچه که رسانه ها و مقامات حکومتی، اصولگرا یا "اصلاح طلب" در مورد علل این رویداد و همه رویدادهای سیاسی و اجتماعی اعلام می کنند، برداشت مردم تماما برخلاف آن است و داعیه های حکومت از نظرشان "دروغ" است. این واقعیت رابطه اعتماد پایین به بالا در ایران است.

بعنوان یک قاعده در "ژورنالیسم بازاری" غالبا کمتر تمام دلایل چنین رویدادهای را میتوان از لابلای جزئیات رسانه های اصلی و داعیه مقامات دریافت کرد. نه چهره های خندان و "امیدوار کننده" تیم پزشکيان و زبان "شسته رفته" آنها حول مذاکرات، نه عروتیز های کیهان و هشدارها و "لات بازی" های تیم "اصولگرایان" در مورد مذاکرات، نه "وعده های" خوب" و همزمان "بد" ترامپ در مورد کیس ایران و درعین حال قلدری ها و خط و نشان کشیدن های وزارت خارجه آن در مورد مجازات ایران به خاطر "موش دوانی" های آن در حمایت از حوثی ها در یمن و بحث ها و بررسی های حول این داعیه ها، به مردم نمی گویند که سرانجام این بازی قرار است به کجا برسد و هدف نهایی هریک از طرفین در این نشست ها چی است. آزادی چند گروگان و رفع تحریم این و آن شخص و نهاد و در حاشیه



آزادی برابری حکومت کارگری

هستند. هنوز هم تعیین تکلیف در میدان توسط همان نیروهایی که علیه هم صف کشیده بودند، صورت میگیرد! چه در کیس فلسطین، چه اوکراین و چه ایران!

جولوگیری از کشتار کردم فلسطین نه امر ترامپ است و نه امر خامنه ای! اینها کاراکترهایی نه برای حل آن که برای ابدی کردن و زنده نگاه داشتن فاجعه فلسطین هستند. جمع کردن بساط ناتو و مهار اشتباهات گسترش آن، نهایتاً نه با پیروزی روسیه در کیس اوکراین که در جدالی سرنوشت ساز و توسط بشریتی که ناچار است پرونده همه این نهادهای مخرب میلناریستی را که هرروز در رقابت با هم به ابعادشان افزوده میشود، را ببندد، صورت میگیرد.

به مذاکرات ایران و آمریکا باز گردیم!

از این مذاکرات و دیپلماسی و نشست و برخاست ها، برای جامعه و مردم ایران، حاصلی جز انتظار و به امید واهی نشستن، ندارد. نگاهی به مردم بیگانه غزه که به خاطر چند روز و چند لحظه "آتش بس" وعده "نوری در انتهای تونل" تاریک نسل کشی شان داده شد، کافی است که معنی "موفقیت" از منظر هیئت های حاکمه در آمریکا و دولت ها و قدرت های مختلف در خاورمیانه را به روشنی دید. تغییر وزن قدرت این و آن دولت فاسد و باند جنایتکار و گروه ارتجاعی در مقابل دشمن، آمریکا یا اروپا یا اسرائیل، اول و آخر معنی پیروزی شان است، نه کاهش حتی یک نفر از آمار هرروز رو به افزایش قربانیان بی گناه!

مقدمتا و طبعاً برای هراسانی که حتی از دور دستی بر آتش در ایران دارد، روشن است که به هر درجه پایین کشیدن فتنه تخصص و جنگ تجاری و تحریم و فضای میلناریستی و کاهش دوز جنگ روانی علیه مردم در ایران به بهانه جدال آمریکا با جمهوری اسلامی و تروریسم و ... هزاران بار بر تخصص متقابل و تحریم اقتصادی و پروپاگاندای جنگی، ارجحیت دارد. روشن است که هم آمدن سر شکاف ایران یا غرب، حاصل سازش هر تیم اهریمنی با هر تیم اهریمنی در هرکجا مسقط یارم با میانجیگری هرکسی که باشد، از این رو که میتواند اندکی از فشار ناامنی و زنده نگاه داشتن فضای جنگی بکاهد، هزار بار بر تخصص آنها ارجحیت دارد. کاهش این فشار، برای جامعه ای که زیر بار فقر و گرانی و ناامنی و سرکوب در منگنه مرگ و زندگی است، میتواند سیر پیشروی در جدال خود با قدرت حاکم بالای سرش را تسهیل کند و به مبارزه مردم برای جدال برسر خواست هایشان، کمک کند. اما خود این مذاکرات، هیچ محصول مستقیم رفاهی برای مردم و جامعه ندارد. جز خلع سلاح کردن حکومت از بهانه های تاریخی "جنگ با دشمن خارجی" برای تحمیل فقر و گرانی و محرومیت و سرکوب هرصدای مخالفی به بهانه شرایط جنگی!

بزرگنمایی جایگاه تحریم بعنوان اصلی ترین عامل فقر و محرومیت و بی حقوقی مردم در ایران، یکی از بزرگترین دورخ هایی است که اساساً توسط دو جریان، یکی حکومت و دیگری بخشی از اپوزیسیون که به امید ترامپ و تحریم و فضای جنگی برای "بازپس گیری" قدرت از خامنه ای و تحویل به رضا پهلوی نشسته است، بطور سیستماتیک دامن زده میشود. برای هر دو در سرنوشت ایران یک "حقیقت مطلق" وجود دارد! همه چیز تقصیر آمریکا است. یکی، حکومت ایران است که، به خاطر رفع تحریم ها از آمریکا طلب "رهایی" میکند و دیگری، اپوزیسیون نئوپهلویست است که، به خاطر گسترش ندادن تحریم ها از آمریکا شکوه جولوگیری از "رهایی" دارد! هر دو این دو جریان از مردم ایران و جامعه میخواهند که به امید سرانجام و شکوفه دادن یا ندادن این مذاکرات، در انتظار بمانند و تسلیم شرایط شوند.

مردم خریدار داعیه های حکومت نیستند! اما همان داعیه را وقتی از "اپوزیسیون" خواهان تغییر به همت ترامپ و ناتنهاو نشستن می شوند، بخشی میپذیرد! میپذیرد که قدرت تغییر و امید به بهبود شرایط زندگی در دست آمریکا است! این بیشترین دستاوردی است که از این نشست و برخاست ها، نصیب قدرت حاکم در ایران میشود! "منتظر باشید داریم مذاکره می کنیم!"

در بالاترین نرخ تحریم ها، هیچگاه منابع مالی و تدارکاتی و پولی جمهوری اسلامی برای خود و پروژه های ضد مردمی ش در منطقه و در خاورمیانه،

آن پرونده ایران اتمی و .. نمی تواند اول و آخر مذاکراتی باشد که در این شرایط تاریخی پشت میز آن در یک طرف نماینده قدرتمند ترین دولت جهان نشسته است و طرف دیگر آن جمهوری اسلامی بعنوان "بازمانده" یکی از "محور های شر" و "نماد مقاومت" در مقابل "استکبار جهانی"!

اجازه بدهید به این ارزیابی ها و گمانه زنی ها و داعیه ها و .. که از منظر منافع مردم در ایران، کمترین تغییری، نه تعیین کننده که حتی محسوس، در جهت بهبود وضعیت کار و زندگی آنها نمی دهد، بعدا بپردازیم و ابتدا به ریشه و حکمت مذاکرات، وعده ها، نتایج مورد نیاز و تبعات آن، نگاهی بیندازیم.

مذاکرات آمریکا و ایران، مستقیم یا غیرمستقیم، نه بر سر برنامه هسته ای ایران و خطر ایران اتمی و قدرت موشکی و .. است و نه بر سر کاهش ابعاد کشتار ها و جنایات در خاورمیانه و در کیس فلسطین، انطور که تحلیلگران طرفین ادعا میکنند، است و نه با کمال "معذرت" برای رژیم چینج و بازگرداندن خاندان پهلوی به قدرت برای حل همه معضلات جهانی، انطور که شبکه هایی چون "من و تو" آرزومندند!

این مذاکرات بعلاوه نه بر سر "ایستادگی" و "مقاومت" جمهوری اسلامی به نمایندگی از "ایران اسلامی" و "ملت شریف" ایران در مقابل میلناریسم، گردنکشی ها، زورگویی ها و تحقیرهایی است که تاریخاً هیئت حاکمه های مختلف در آمریکا، دهه ها است به جهانیان تحمیل کرده اند است و نه بر سر مهار تروریسم و آدم کشی های اسلامی!

طرفین هریک به اندازه کافی به سهم خود تروریست و گردن گلفت و ارتجاعی و ضدمردمی هستند که هریک از گنداب ساخته دیگری، تغذیه میکند. این تبیین ها پروپاگاندهای طرفین برای مقبولیت و "مشروعیت" دادن به موقعیت خود در لجنزاری است که هریک به سهم خود برای جهانیان بیار آورده اند.

مذاکرات تهران و واشنگتن، مستقیم یا غیرمستقیم، را لازم است در صحنه بزرگ تر جهانی و در بستر صف بندی ها و تحولات سریعی که این روزها در جهان جریان است، بررسی کرد.

در تاریخ کمتر پدیده ای در بعد جهانی به اندازه مانورهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک امروز تیم ترامپ در هیئت حاکمه آمریکا، همچون "تک تک" بمب های ساعتی بر فراز سر جهانیان قرار گرفته است تا "سرنوشت" آنها (خوب یا بد) را رقم بزند. "بمب ها" که جهانی را به هم وصل و در عین حال جدا کرده است!

از وعده آتش بس در قتل عام در غزه و هیاهوی "پایان کیس فلسطین"، تا وعده پایان جنگ روسیه در اوکراین و نواخته شدن سنفونی "خاتمه دوقطبی آمریکا - روسیه" و تا بستن پرونده "کیس ایران" و از این طریق خلاصی از "حاشیه های ناآزم" در خاورمیانه و اروپا، همه و همه مانورهای سیاسی است تا نقشه راهی برای حل هیچیک از این معضلات.

این ها مانورهای سیاسی است برای تغییر صف بندی های جهانی جهت به سرانجام رساندن جنگ واقعی آمریکا، که نه اقتصادی بلکه تجاری با رقیب قدرتمند خود چین است.

حول این جنگ تجاری، برای "بازگرداندن عظمت به آمریکا" دامنه وسیعی از مانورهای سیاسی براه افتاده است که اساساً برای پایین کشیدن فتنه آنها به هدف تغییر صف بندی های جهانی به نفع آمریکا، صورت گرفته و میگیرد نه برای حل آنها.

نه مسئله حل مسئله فلسطین است و نه بستن کامل پرونده نهادی بنام ناتو و نه "اسپردن جهان" بدست روسیه، و نه رساندن هیچ بخشی از مردم جهان به هیچ حقوقی! مسئله نوعی دیپلماسی "انبری" است که میتواند دهه ها ظاهراً پشت میز مذاکرات عده ای مشغول پیشبرد کارها طبق طرح ها و نقشه راههای مختلف و "شل کن سفت کن" های مختلف

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید

کند. نه رفع گرانی و فقر و بیکاری و محرومیت مردم در ایران. فرصتی است برای عوام فریبی و وعده و وعید بدهد.

برای همه روشن است که از تعویق مذاکرات چه کسانی خوشحال شدند و چه کسانی افسرده و چه کسانی بطور واقعی بهرمنند می شوند چه به تعویق بیفتد چه برگزار شود.

موضع دولت پزشکین که این بار عراقی در آن قرار بود جای ظریف، مردم ایران را به سرچشمه آزادی و رفاه برساند، و موضع کیهان شریعتمداری که روی خط اصولی بقا نظام، منفعت حفظ شعایر مرگ بر آمریکا برای نظام شان را میداند و هنوز میداند که کجا سر آن را باز کند و کجا ببیند! و موضع آقای پهلوی و بیت ایشان را که پا به پای مقام معظم و بیت رهبری او، خطر هم آمدن شکاف با آمریکا، را هریک از زاویه ای خوب میداند، هستند که جملگی در مقابل بهبود شرایط رفاهی و آزادی مردم در ایران اند.

آقای پهلوی نگران ضعیف شدن یا به تعویق افتادن شانس تحویل قدرت از خاندان اسلامی به خاندان پهلوی است و دیگری مقام معظم که نگران ریختن مردم بر سرشان هستند که بیش از چهار دهه است همه مصایبی که خود آفریده اند را به گردن آمریکا و استکبار جهانی انداخته اند.

همه این صف در این مذاکرات منفعت خود را دنبال میکنند! و هریک منفعت خود را منفعت مردم و جامعه اعلام میکنند! خامنه ای منفعت "ایران قدرتمند" در منطقه که بهای ایستادگی در مقابل استکبار جهانی را میپردازد و آقای پهلوی به منافع تحریم اقتصادی و بالا نگاه داشتن شمشیر خطر جنگ و حمله به ایران، برای تقویت صف خود و کشاندن بخش بزرگتری از ریزش کرده های رژیم به صف خود است و به امیدوار کردن آنها به قدرت نداشته اش برای تحویل صندلی قدرت در ایران، چشم دوخته است!

با مذاکرات یا بی مذاکرات، امروز هر تحول روزانه ای در سیاست خارجی و داخلی بازتابی جهانی دارد. تمامی قدرت های حاکم که هیچکدام منفعت مردم تحت حاکمیت شان اولویت شان نیست، از جنگ تجاری و کمپین های حاشیه ای تیم ترامپ، بهره برداری خود را میکنند. به همین ترتیب جمهوری اسلامی! به امید حل و فصل معضلات اقتصادی و سرانجام جنگ های تجاری و دیپلماسی جهانی و منطقه ای نشستن! برای بشریتی که از ایران تا عراق و سوریه و فلسطین و لبنان و ترکیه و اروپا و آمریکا و هند و پاکستان و اقصی نقاط جهان، هر روز نگران عواقب جنگ های تجاری و تخصیصات سیاسی امروز جهان را دنبال میکند و نگران بیکاری و گرانی و از دست رفتن مسکن و فرار و جنگ و نسل کشی و .. است، چاره ای جز به میدان آمدن برای تعیین تکلیف با حکومت خودی نیست. برای مردم در ایران، چه این مذاکرات به عقب بیفتد یا نیفتد، چاره ای جز مبارزه برای رفاه، امنیت و آزادی به نیروی خود نیست. منتظر مذاکرات و "محصولات شیرین" آن نباید شد.

۲ مه ۲۰۲۰

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

مشکلی ایجاد نکرد. هر قدر تحریم ها کاهش یابد بی تردید بخش اعظم آن صرف مخارج دم و دستگاه مالی میلیتاریستی و صف مفتخوران انواع و اقسام نهادهای انگلی بسیج و سپاه و حوزه های علمیه، میشود. بعلاوه صف مالی میلیاردهای پشت داده به برکات تحریم، بلند تر و حساب های بانکی شان پرتز خواهد شد. نه پروژه عمرانی یا تولیدی یا تأسیسات خدمات شهری نه بیمه بیکاری و افزایش دستمزده ها و نه بهبود و ساخت مدرسه و بیمارستان و کودکان! اما در مقابل، بودجه نهادهای و خزانه های ماشین سرکوب صدای توقعات و حق طلبی مردم بیشتر و بیشتر خواهد شد. رفع تحریم ها بیش از همه وضع اسفناک حکومت و خرج دم و دستگاه سرکوب و خزانه آنها را پرمیکند. برای مردم تنها حاصل آن کاهش فشار ترس از جنگ و بمباران و ... است. به امید رفع تحریم ها برای تأمین یک زندگی بهتر ماندن، توهمی بیش نیست. بخصوص در فضای جهانی که جدال تعرفه ها، همه جهانیان را به هم متصل و از هم جدا نگاه داشته است، وضع اقتصادی مردم در ایران به مراتب مخاطره آمیزتر خواهد شد، با یا بدون تحریم!

جنگ تجاری آمریکا با چین و در حاشیه آن با بخش اعظم متحدین سابق، جنگی یک طرفه و حمله ای یک طرفه نیست. این یک جنگ اقتصادی نیست.

جنگ اقتصادی کشوری و ملی، در جهانی که اقتصاد آن چنان درهم تنیده است که سرمایه چینی بدون سرمایه آمریکایی و اروپایی و متقابلاً بدون سرمایه هندی و برزیلی و روسی و ... موجودیت واقعی و مادی ندارد. در جهانی که هیچ مرز ملی و کشوری قادر به محدود کردن حرکت سرمایه بدنبال سود به هرکجای جهان نیست، هیچ اقتصاد ملی متکی به سرمایه ملی وجود خارجی ندارد. جنگ تجاری که براه افتاده است، تنها و تنها برای منافع سیاسی و بدنبال تغییر موقعیت سیاسی آمریکا در جهان است. یعنی همان نقشه راهی که تیم های قبلی در هیئت حاکمه آمریکا بدنبال آن با عملیات های میلیتاریستی تلاش کردند که به پیروزی برسانند. این نقشه راه هم به پیروزی نخواهد رسید اما ابعاد تخریب و منجلاهی که براه خواهد انداخت در سراسر جهان، اگر بیشتر از ابعاد تخریب تیم های قبلی در هیئت حاکمه آمریکا نباشد، از آن کمتر نخواهد بود. پرداختن به این را باید به فرصت دیگری واگذار کرد. با این مقدمه در این شرایط، خطر فجایع اقتصادی وسیع گریبان جوامعی چون ایران را خواهد گرفت که اقتصاد آنها در حاشیه این تخصیصات و در کمپ یکی از قدرت ها سوخت و ساز میکنند را خواهد گرفت.

در این جنگ تجاری که پیشتر غیررسمی جریان داشت و ترامپ سوت آغاز آن را رسماً زده است، عملاً طرف های مقابل هم درگیر و وارد میدان شده اند. طرف های مقابل، از چین تا کشورهای اروپایی و قاره آمریکا و آسیا و .. بدون اینکه نیازی به عملیات تلافی جویانه داشته باشند، با بستن تعرفه های متقابل به میدان جدال وارد شده اند. هر چند خود اقتصاد دانان شان به روشنی از زاویه منافع سرمایه خود، نشان میدهند که برقراری تعرفه ها بیش از هر کشوری باعث گرانی و کمبود و بیکاری و بحران در خود آمریکا خواهد شد، با عملیات تلافی جویانه و برقراری انواع تعرفه های متقابل و تحمیل گرانی به سراسر جهان، پاسخ گرفته است. طرح این واقعیت به بهانه موضوع مذاکرات آمریکا و ایران، تنها و تنها به این منظور است که در صحنه بزرگ تر دید که این مذاکرات چه جایگاهی دارد.

این مذاکرات بر سر تلاش تیم ترامپ در هیئت حاکمه آمریکا برای "هرس کردن" حاشیه های نالایم در منجلاصت تخصیصات جهانی به نفع خود است. این میدان امتیازگیری دو قدرت ارتجاعی است بر بستر رقابت های منطقه ای و جهانی! "خوف ایران اتمی"، که یکی آن را بهانه بالا نگاه داشتن خطر تعرض نظامی و دیگری آن را وسیله امتیازگیری پشت میز سازش کرده است، بی پایه است. بر این بستر وعده های رفع تحریم ها و بهبود اقتصادی در ایران ناشی از رفع تحریم ها، دروغ بزرگی است. این تنها جایگاه قدرت حاکم در ایران در صف بندی های جهانی را میتواند جابه جا

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

اول مه طبقه کارگر علیه ماشین جنگی، برای رفاه و آزادی

به مناسبت روز جهانی کارگر، مراسمها، میتینگها و تظاهراتهای متعدد و متنوعی در سرتاسر جهان، از آفریقای جنوبی تا استرالیا، از هندوستان تا کانادا، از اروپا و آمریکا تا آسیا و خاورمیانه برگزار شد. در تمام این مراسمها شرکت کنندگان انزجار خود از شرایط موجود را به انحاء گوناگون ابراز کردند و خواهان تغییر این اوضاع شدند.

علیرغم تلاش بورژوازی و دولت های حاکم برای حاشیه ای کردن اول ماه مه و علیرغم تعطیل نبودن این روز در اکثر کشورها، طبقه کارگر و حامیان آن با تجمعات گسترده و صف های طویل خود، با پرچم های قرمز و شعار ها و مطالبات در عرصه های مختلف کار و زندگی، علیه بی حقوقی و نابرابری، تخریب محیط زیست، علیه نیروهای دست راستی و سیاست های راسیستی احزاب و دولتهای حاکم، علیه رشد میلیتاریسم و جنگ و کشتار، علیه فقر و فلاکت و بردگی بسیاری از پایتخت ها و شهرهای اصلی را به تسخیر خود در آوردند و اعلام داشتند که این روز، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر علیه نظام کاپیتالیستی حاکم و برای رهایی خود و اکثریت مطلق مردم دنیا است.

کارگران صنایع برق در استرالیا در این روز، که عامیانه آنرا "کریسمس اتحادیه" می نامند، مراسم خود را با تظاهرات به سمت پارلمان این کشور شروع کردند. شعار اصلی تظاهرات وسیع کارگران در شهر ساوثول، کره، "بیباید تا حقوق پایه ای کارگری را بدست آوریم" بود. در ژاپن یکی از سخنران از "گروه مادران" اعلام داشت که "برای آنکه کودکان مان قادر به زندگی با امید باشند، باید ابتدا حقوق کارگر به رسمیت شناخته شود". در پاکستان تظاهرات زنان کارگر با خواست به رسمیت شناخته شدن "حقوق کارگران خانه ای" در تجمعات اول مه حضور داشتند.

در آلمان در شهرهای مختلف مانند برلین، برمن، هامبورگ، کلن تظاهرات و تجمعات متعددی صورت گرفت. بزرگترین تجمع اعتراضی در برلین علیه رشد فاشیسم، علیه افزایش هزینه های زندگی و غیره، البته با گسیل بیشترین نیروی پلیس این کشور برگزار شد. در حالی که در شهر کلن راهپیمایی از مقابل مرکز اتحادیه دگ ب آغاز گشت و پرچم های هشت اتحادیه بزرگ از جمله آگ متال، اتحادیه خدمات ملی، حمل و نقل با شعارهایی نظیر با یکدیگر "قوی می شویم، و افزایش دستمزد، قراردادهای دستجمعی، عدالت اجتماعی، برابری حقوق زنان با مردان، مقابله با نژاد پرستی، در این تظاهرات بود.

در سوند، تظاهراتی چندین هزار نفره در شهر گوتنبرگ با مطالبات عدالت خواهانه و برابری طلبانه برگزار شد، شرکت کنندگان خواهان بهبود شرایط برای کلیه شهروندان، مقابله با میلیتاریسم و همچنین بازگرداندن تمامی حقوق وامکانات اجتماعی، امکاناتی که دولت با محدود کردن و یا حذف آنها، یورش همه جانبه ای را علیه دستاوردهای طبقه کارگر سوند به راه انداخته است، شدند.

در بریتانیا، در شهرهای اصلی این کشور، آکسیون ها و تظاهرات برگزار شدند. یکی از سخنرانان در آغاز تظاهرات لندن، در مقابل کتابخانه مارکس، از اتحادیه کارگران حمل و نقل بود که ضمن برشمردن نمونه هایی از اوضاع وخیم جاری، بر اهمیت دخالت تشکل ها و اتحادیه های کارگری، برای گرفتن ابتکار عمل در پیشبرد خواست کارگران علیه دولت تاکید کرد.

در لس آنجلس آمریکا، تظاهرات با شعار اصلی، "یک مبارزه، یک جنگ" و "کارگران متحد شوید"، برپا شد، در حالیکه تظاهرات در استانبول در ترکیه با

خواست های مطالبه گری و علیه هزینه های سنگین زندگی، با خشونت و دستگیری توسط نیروهای انتظامی روبرو شد.

امسال بخش عمده میدیا رسمی تلاش کرد تا مسئله "تعرفه های اعلام شده از جانب ترامپ" و "بههم ریختگی تجارت بین المللی" را به محور مشترک در اعتراضات سراسری، تبدیل کند. اما این تلاشی بیهوده بود. بنا به گزارشات رسیده از تشکیلات های حزب در آلمان، بریتانیا، سوند و سایر کشورها، مراسم های اول ماه مه امسال، اساسا اعتراض علیه فقر، علیه گسترش میلیتاریسم و تحمیل هزینه های جنگی به مردم و همچنین نسل کشی اسرائیل در فلسطین، به وضوح مشاهده میشد. این اعتراض نه تنها در پلاکاردها و سخنرانی ها، بلکه حتی در اعلامیه های و بیانیه های صادر شده به مناسبت این روز به چشم می خورد. محور اصلی مراسم امسال اعتراض به میلیتاریسم، علیه تحمیل هزینه های جنگی به طبقه کارگر و تحمیل فقر و بیحقوقی به این طبقه از یکطرف و انزجار از به رسمیت شناختن و شرکت دولت ها در جنایات روزمره دولت اسرائیل، و کاهش حقوق شهروندان بخصوص در کشورهای غرب بود. اول ماه امسال بیش از هر زمانی نیاز به یک صف متحد و جهانی کارگری برای دفاع از دستاوردهای این طبقه، برای کوتاه کردن دست ماشین جنگی بورژوازی از زندگی اکثریت مردم در جهان، برای آزادی، رفاه و سعادت بشریت را نشان داد.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیت (خط رسمی)

۲ مه ۲۰۲۵

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴



تراژدی انفجار مرگبار بندرعباس

ظهر شنبه ۶ اردیبهشت، ۲۶ آوریل، انفجاری مهیب در اسکله بندر رجایی بندرعباس به وقوع پیوست که حجم گسترده‌ای از آتش‌سوزی را به همراه داشت. بنابه گزارش صدا و سیما تا کنون و در دومین روز این انفجار، حداقل ۴۰ نفر جان باختند و بیش از هزار نفر مصدوم شده‌اند. گزارش‌ها تاکنون حاکی از آن است که این حادثه به دلیل نگهداری نامناسب مواد شیمیایی در کانتینرها اتفاق افتاد و بعلاوه خسارات قابل‌توجهی به زیرساخت‌های بندر که از مراکز مهم تجاری ایران است، وارد کرده است.

تثیر بسیاری از نشریات در ایران حاکی از موج عظیمی از اندوه، شوک و هراس مردم در محل از ابعاد خسارات انسانی و زیرساختی، ناتوانی مقامات و مسئولین در کنترل و کاهش ضایعات انسانی بیشتر و عواقب این انفجار است. بسیاری بین بیمارستانهای مختلف بدنال عزیزان خود، سرگردان هستند.

در این میان، اعلام سه روز عزاداری و خاموش کردن چراغ‌های برج میلاد و وعده و وعیدهای مقامات و مسئولین، خامنه‌ای و رئیس‌جمهور در مورد اینکه به دلایل این فاجعه رسیدگی خواهند کرد و جبران خسارات را وعده میدهند، فضا را اشباع کرده است تا مردم را به قدرت آنها در کنترل فاجعه و مسئولیت‌شان در رسیدگی به عواقب انسانی و تاسیساتی و ... امیدوار نگاه دارند. امیدی که پایه‌های محکمی نه در میان آسیب‌دیدگان و مردم در منطقه انفجار دارد و نه در میان مردم در سراسر ایران، که با بهت و بغض و نگرانی، سرنوشت قربانیان و خسارات را دنبال میکنند.

در این میان سایت‌های سیاسی و اقتصادی، بلافاصله تأثیرات انفجار بندعباس بر بازارهای مالی ایران را محاسبه کردند و دارندگان سهام و سرمایه را به صف "آسیب‌دیدگان" اضافه کردند.

مردم حق دارند که کمترین اعتمادی به مسئولیت‌پذیری، تعهد و ذره‌ای همدردی واقعی با قربانیان این انفجار از طرف قدرت حاکم و مقامات و مسئولین‌شان، نداشته باشند! مگر رفتارشان در مواجهه با دهها سیل و زلزله و حوادث کاری در ایران که بخش اعظم آن نه منشأ طبیعی که منشأ فساد و سودپرستی و بی‌تأمینی و ناامنی محیط‌های کار و زندگی مردم دارد را ندیده‌اند. مگر خاطره جامعه از رفتار انگلی آنها در مورد انفجارات پی‌درپی در معادن و جان‌باختن کارگران بر اثر سهل‌انگاری مقامات و کمپانی‌ها و .. در تأمین حداقلی از امنیت در محیط‌های کار صورت می‌گیرد که بر آن نام "حوادث" گذاشته میشود، پاک شده است!

دلیل و منشأ این انفجار هرچه بوده باشد، نه حادثه که تخریبی است که مسئول مستقیم آن، کسانی هستند که در بالا نشسته‌اند! کسانی که در مجلس و استانداری و شهرداری و اسکله‌ها و بنادر و بر صدر صنایع تولیدی و حمل و نقل و .. در همه محل‌های کار و تولید خدمات و کالا، نشسته‌اند! از "مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور تا استاندار و شهردار و مقامات بنادر و صاحبان سود جو کمپانی‌ها و ... مسئول مستقیم ایجاد چنین ناامنی هستند که قربانیان مستقیم آن، کارگران، کارکنان و شهروندان بی‌گناهی است که یا هنگام انفجار در محل کار میکردند، یا عبور میکردند و یا به هر دلیل حضور داشتند!

اشباع کردن فضای رسانه‌ای از وعده و وعید و .. در حالی که میدانند کسی امیدی به "انصاف" و "مسئولیت‌پذیری" و به سادگی "پرداخت غرامت" از این حاکمیت گندیده فاسد ندارد.

از این رو، امنیتی نگاه داشتن منطقه، نه در مقابل خطر دشمن خارجی، که در مقابل خطر تعرض حق طلبانه مردمی که برای رسیدگی به وضع آسیب‌دیدگان و خانواده‌های جانباختگان، بر سرشان بریزند، اولویت اصلی‌شان است! مابقی تعارفات رایجی است که برای "ترمیم" موقعیت انگلی خود، نشخوار میکنند!

از این رو، همبستگی و اتحاد سراسری در پیگیری خواست‌های آسیب‌دیدگان، پرداخت غرامت به همه آسیب‌دیدگان جانی و مالی و .. شرط هم‌دردی با بازماندگان و مردم آسیب‌دیده در محل است.

باید با فشار اعتراضی مجبورشان کرد که اولویت‌شان، قبل از رسیدگی به "بازار مالی" و .. پاسخگویی به مردمی باشد که سوال میکنند که چرا این اتفاق افتاد و برنامه حاکمیت برای جبران خسارات و تضمین امنیت محل و سایر محل‌های مشابه، چیست!

باید مجبورشان کرد که خود و مافیای فاسد و مفت‌خور و سودپرست‌شان، به مردم جواب بدهند!

حزب حکمتیست (خطر رسمی)، ضمن همدردی با بازماندگان این فاجعه و مردم انسان‌دوست منطقه، تلاش میکند که در کنار آنها در محل و در سراسر ایران، اجازه ندهد که شرایط بازماندگان قربانیان این فاجعه و همه آسیب‌دیدگان، به پشت صحنه هیچ رویداد دیگری برود و مقامات و مسئولین و نظام، از زیر مسئولیت‌پذیری و رسیدگی به خسارات و رسیدگی به عواقب زیانبار کار و زندگی مردم در محل، شانه خالی کنند.

با همدردی عمیق و تسلیت به بازماندگان این فاجعه

حزب حکمتیست (خطر رسمی)

۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۲۸ آوریل ۲۰۲۵

**طبقه کارگر، برخلاف کلیه طبقات
فرودست در تاریخ پیشین جامعه
بشری، نمیتواند آزاد شود بی
آنکه کل بشریت را آزاد کند.
جامعه کمونیستی اتوپی نیست،
بلکه محصول و هدف مبارزه یک
طبقه عظیم اجتماعی علیه سرمایه
داری است. مبارزه‌ای زنده و
واقعی و جاری، که به قدمت
خود جامعه بورژوازی است.**

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

شهرداری سندج و "ناسیونالیسم" موج، پاکیزه و پاستوریزه

مصطفی اسدپور

معضل سندج و متکدیان را باید از جلوه های طبقاتی و غیر قابل باور از معیار و اخلاقیات شهری شایسته برای هر شهر هر چقدر دور افتاده نا شناخته تا چه برسد به شهر پرواوزه مانند سندج به حساب آورد. توجه شما را به چند سطر زیر جلب میکنم.

به نقل از خبرگزاری دانشجو (ایسنا، اول اردیبهشت ۱۴۰۴ در به گزارش گروه استان‌های خبرگزاری دانشجو در کردستان)

"صلاح‌الدین وکیلی روز دوشنبه در جلسه شورای اجتماعی کردستان در سندج اظهار کرد: بر اساس بررسی انجام شده، درآمد روزانه هر متکدی در سندج، بیش از ۲ میلیون تومان است. وی افزود: شعبه ۱۰۵ قضایی در استان فعال است که متکدیان مرفه طبق ماده ۷۱۲ به مراجع قضایی برای رسیدگی معرفی می‌شوند. نباید اجازه دهیم این افراد چهره شهر را آلوده و نازیبا کنند. رسانه‌ها باید با اطلاع رسانی صحیح، ترحم افراد جامعه نسبت به این متکدیان را کاهش داد.

مدیر مرکز متکدیان شهرداری سندج با بیان اینکه از هر چهار نفر متکدی در سندج یک نفر غیر بومی است، اضافه کرد: اغلب متکدیان به بیماریهای واگیردار و خطرناک مبتلا هستند که تهدیدی برای شهروندان است.

وکیلی با بیان اینکه گرمخانه شهرداری سندج، هر شب امکان اسکان ۸۰ نفر بی‌سرنیاز را دارد، افزود: این مرکز از سال ۹۶ به سامانه سادا مجهز شده و امکان ثبت اثر انگشت متکدیان جمع‌آوری شده را دارد."

شورای اجتماعی کردستان در شهر سندج و اجلاس آن را فراموش کنید. متکدیان و اهالی نایس باید چه بخت برگشتگانی باشند که به صرف کلمه "بررسی" هر چه اتهام و ناسزا نخراشیده و سنگین را میشود به آنها نثار نمود. صرف نظر از جناب خبرنگار لاید در میان مشتریان جریده خبرگزاری دانشجویان باید کسی پیدا شود که از سر اتفاق و از سر کنجکاوی در آشنایی سطحی و گذرا با متکدیان بدانند که بندرت جز التماس تهدید دیگری تا چه رسد به انتقال بیماری و واگیر از این موجودات ساخته است. بعلاوه این کدام خبرنگار "خبر" خوانده و "شهر" ندیده است که از صرف فرمایشات عضو شورای اجتماعی دست وپای خود را گم کرده و بدون نام و نشانی از بیماری داستان سرایت و ابتلا و تهدید را بهم میافد.

اما نه! این مزخرفات مربوط به طویله خبرگزاری ایسنا است که تا ساعت سه و دوازده دقیقه هنوز در صفحه اینترنتی این خبرگزاری در دسترس است. چرا نباید شهروندان سندجی از درخشش کلمه بومی، از هوشیاری شهرداری در حفاظت از چهره شهر در یک قدمی آلوده و نازیبا بخود ببالند؟ تا آنجا که اهالی سندج دست از سر "ترحم بی جا و زیادی" بردارند، "کار را به کاردان"، بسپارند، و در ادامه به "موشکافی" خبرنگار مربوطه، مزاحم قضات محترم شعبه ۱۰۵ در بکارگیری ماده ۷۱۲ نشوند، خطر متکدیان مرفه به انداز کافی منتفی خواهد ماند.

تقصیر سندج است. این شهر با هزاران کارگر بیکار آنقدر آلوده و نازیبا نیست که شورای شهر را در اعتراض و ناشکیبایی مواخذه بیمه بیکاری روزی ده بار به سیخ بکشد؛ نازیبا مفت چنگ شورای شهر که در آن بیمارستان شهر از پذیرش دو هزار کارگر ساختمانی درمقابل فرسودگی سر باز میزند؛ بیماری و سرایت و واگیر و خطر، همگی همان شورای شهری باید باشد که مثل بختک با دست دزدی و تلکه از اندوخته و دسترنج مردم زحمتکش تغذیه میکند، دست بردار نیست و دوقورت و نیمش هم باقی است.

تفسیر سندج است، اگر این شهر در آزاد ساختن نیروی اعتراض کارگری خود از دامنه آشکار اغراق آمیز خویش میکاست، اگر اینقدر جانب احتیاط و عاقبت اندیشی را نمیگرفت، اگر به اعتماد بنفسی که احاطه اش کرده باندازه کافی باور میداشت؛ همان انباشته ذخیره باروت از تجربه اتحاد و رزمندگی و ستیزه جویی، حداقل برای سد این درجه از فرومایگی و حقارت و پستی کفایت میکرد. در مورد کودکان محله نایس هیچ درجه از جهل ژورنالیستی نمیتواند چشم بستن به واقعیت هولناک کار کودکان در پای دارهای قالیبافی سازمان یافته از معامله گران کمیته امداد ببندد. بنگاه خبری ایسنا، قاضی کذابی شعبه ۱۰۵ و همه قبیله شورای شهرسخت در اشتباه هستند که رد پای مافیای جنایت پیشه بهره کشی از کار کودکان نایسری را به ناکجا آباد گدایی دو میلیون تومان "متکدیان مرفه" کنار پیاده روها لاپوشانی میکنند.

وقتی نوبت به خشم و کيفرخواست این کودکان برسد قیصر و قیصریه در آتش خواهند بود.

چهارمین کنفرانس "سازمان زنان جبهه مبارزه مردمی فلسطین" روز شنبه ۱۹ آوریل شرکت ۴۵۰ فعالین حقوق زنان و نماینده هایی از نیروهای سیاسی مختلف در کرانه باختری برگزار شد. حزب حکمتیست (خط رسمی) به این کنفرانس دعوت شده بود. پیام خالد حاج محمدی، دبیر کمیته رهبری حزب، به کنفرانس قرائت و به اطلاع حاضرین رسید.

پس از کنفرانس "سیلویا ابولین"، دبیر "سازمان زنان جبهه مبارزه مردمی فلسطین"، طی نامه ای به خالد حاج محمدی از پیام و همراهی و حمایت حزب حکمتیست (خط رسمی) از زنان فلسطین تشکر و قدردانی کرد و خواهان همکاری های بیشتر، و تحکیم رابطه این سازمان با حزب حکمتیست (خط رسمی) شد.

پیام حزب حکمتیست (خط رسمی) به؛

کنفرانس "سازمان زنان جبهه مبارزه مردمی فلسطین"

رفقای عزیز! پیشاپیش از دعوت شما از حزب ما، حزب حکمتیست (خط رسمی)، برای شرکت در چهارمین کنفرانس سازمان زنان، تشکر و قدردانی میکنم.

بی تردید کنفرانس شما در دوره ای حساس و مهم برای جنبش حق زن در سراسر جهان و برای این جنبش در خاورمیانه و فلسطین برگزار میشود. دوره ای که علیرغم تحولات مهم جهانی، رشد وسیع صنعت، تکنولوژی و ارتباطات و ... هنوز نیمی از بشریت به جرم زن بودن، حتی در کشورهای مهم صنعتی، از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند. هنوز مبارزه زنان و مردم متمدن برای آزادی زن، یکی از میدانهای اصلی جدال ما با صاحبان قدرت، با دولتها و دستگاههای تحمیل این بیحقوقی هستیم. حقوق زنان بعنوان شهروندان متساوی الحقوق، از آزادیهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه حتی بطور صوری در قوانین بسیاری از کشورها رسمیت ندارد. متأسفانه در این منطقه بردگی و بی حقوقی زن در زمخت ترین شکل آن نه تنها با اتکا به قوانین حاکم و دستگاه مذهب، بلکه و بعلاوه به نام سنت و فرهنگ و مقدسات و "باورهای مردم" چه در جامعه و چه در خانواده و...، نهادینه است. ستم مضاعف بر زنان در خاورمیانه قویا رنگ مذهبی و قومی را نیز به خود گرفته است.

در فلسطین اما زنان علاوه بر بیحقوقی سایر زنان در خاورمیانه، اولین قربانیان توحش و نسل کشی دولت فاشیست اسرائیل اند، قربانی بمب افکن ها و توپ و موشکها، قربانی ارتشی از قصابان و لمپن هایی میشوند که نه فقط قتل و کشتار زنان که تحقیر، توهین، بی حرمتی و اهانت به آنان، تعرض جنسی به زنان زندانی بخشی از جدالشان علیه مردم فلسطین است. جدالی که بدون حمایت قدرتهای حاکم در غرب و باز گذاشتن دست دولتی عمیقاً مذهبی، عقب مانده، فاشیست و بشدت قومی و متعصب ممکن نمیشد. این توحش و بربریت عریان علیه زنان در فلسطین مایه شرم جهان ماست.

در ایران جنبش حق زن در این جامعه جنبشی قوی، عمیقاً انسانی، رادیکال، توده ای و پیشرو است که جمهوری اسلامی و فرهنگ و سنت مرد سالار و ضد زن را عقب رانده است. اعتراضات علیه بی حقوقی زنان يك رکن اصلی جنبش سراسری و آزادیخواهانه ای است که نه تنها خواهان برابری کامل زن و حقوق جهانشمول زنان است، که بعلاوه خواهان رفاه و برابری، آزادی، پایان جنگ و جنایت و فقر و بی حقوقی و پایان توحش نظام مذهبی و کاپیتالیستی حاکم است. جنبشی که حمایت خود از مردم فلسطین را فعالین آن در جنبش کارگری، در زندانهای جمهوری اسلامی، در میان زنان و جوانان آزادیخواه به گوش جهانیان رساندند. این جنبش میتواند با پیروزی خود رنگ دیگری به خاورمیانه و جنبش آزادی زن در آن بزند.

کنفرانس شما در فلسطین و در دوره ای که نه تنها جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در ایران قوی است، که بعلاوه در جهان شاهد جنبشی عظیم و وسیع و توده ای در دفاع از مردم فلسطین و علیه نسل کشی دولت اسرائیل، علیه دولتهای حامی اسرائیل و همزمان علیه بی حقوقی و فقر و جنگ و جنایت در دنیا هستیم، میتواند بی نهایت اثر گذار و مورد توجه باشد. تلاش شما برای حقوق جهانشمول زنان، برای آزادی زن و همزمان برای پایان توحش و پاکسازی های قومی اسرائیل، علیه اشغال و جنایت آنها، قابل تقدیر است. امیدواریم کنفرانس شما در این مسیر متحدانه گامهای جدی بردارد. حزب ما در این مسیر همراه و در کنار شماست.

برای کنفرانس شما آرزوی موفقیت داریم

از طرف حزب حکمتیست (خط رسمی)

خالد حاج محمدی

۱۶ آوریل ۲۰۲۵



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیتترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.

برنامه یک دنیای بهتر